

شکر نعمت و وظایف ما در برابر نعمت ها / لزوم نگاه مثبت به نعمت^۳

آیت الله العظمی مدرس در سومین جلسه تفسیر سوره انسان با اشاره به آیه سوم این سوره، درباره اهمیت شکر نعمت و وظایف ما نسبت به نعمت ها، دو جنبه نورانی و ظلمانی بشر، عبادت و خیانت چشم، اهمیت رضایت به داشته هایمان، لزوم نگاه مثبت به نعمت ها و مثبت اندیشی، معنا و حقیقت شکر سخن گفتند که مشروح بیانات این مرجع معظم تقلید در ادامه می آید.

بسم رب المهدی (عج)

به گزارش پایگاه اینترنتی دست نوشته های معارفی امیرمحسن سلطان احمدی ([سلطان احمدی دات آی آر](#))؛ سومین جلسه تفسیر و تدبر در قرآن مرجع عالیقدر تقلید و مفسر تفسیر من هدی القرآن (هدایت) حضرت آیت الله العظمی «سید محمد تقی مدرس دام ظلّه»، با مداد امروز پنجشنبه ۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۹۸ برابر با سوم ماه مبارک رمضان در دفتر تهران معظم له با محوریت تفسیر آیه سوم سوره انسان «إِنَّمَا هَدَيْتَنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» برگزار شد.



ناقص هستیم و اصل من بر نقص و محدودیت است و ذات من نیز تاریک است. حالا که به این مطلب رسید اینک می گوئید این داده هایی که دارد و خدا به او داده همه نعمت خدا است. و این نعمت ها بر انسان تجلی می کند.

به فرض مثلا فردی چشم درد داشت و نزد پزشکی رفت ولی چشم او درمان نشد و این فرد نابینا شد. اما بعد از نابینا شدن نزد پزشک دیگری می رود و آن پزشک او را درمان می کند و بینایی او بر می گردد و بینا می شود. حالا این فرد وقتی بینا شده تصور کنید، ببینید چقدر خوشحال است.

چگونگی نگاه کردن به نعمت ها / محو کم و کاست زندگی با نگرستن به نعمت ها

بنابراین باید به تمام نعمت ها چنین نگاه کرد؛ که این چشم را که من دارم آن را خدا به من داده و در هر لحظه می تواند این نعمت را از من بگیرد. انسان باید به نعمت ها اینجور توجه کند که این نعمت ها خیلی بزرگ است و قابل از دست رفتن است. و اینکه خدا به من یک نعمتی داده است و این باعث می شود که روح شکر هر لحظه در من تجلی کند و همه اش احساس می کند چه نعمتی است که من می بینم، می شنوم، عافیت دارم، امنیت دارم، غذا دارم؛ و وقتی به این درجه رسید کم و کاست های زندگی برای او مهم نیست.

درخواست صبر افراد شکور از خدا و علت آن

یک فرآزی از دعایی که در روزهای ماه رجب خوانده می شود، این است: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مَبْرَةَ الشَّاكِرِينَ لَكَ وَ عَمَلِ الْخَائِفِينَ مِنْكَ وَ يَقِينِ الْعَابِدِينَ» خدایا من از تو صبری می خواهم که افراد شکور این صبر را دارند. چرا؟ چه ربطی بین صبر و بردباری با شکر است؟ ربطش این است که وقتی من به عظمت نعمت های خدا فکر کنم آن وقت اگر یک نعمت کم شد خیلی به رو نمی آورم و کم و کاستی زندگی برایش مهم نیست.

عدم ترس مومن از خطرات با یادآوری نعمات

آقا امیر المومنین(ع) درباره مومن سخنی دارند و می فرماید زلزله ای رخ می دهد که از زلزله های زمین شدت آن بیشتر است، ولی این فرد مومن مثل کوه ایستاده و حرکتی هم نمی کند و وقار خود را از دست نمی دهد. چون مومن است و مومن نعمت ها را در نظر دارد و در

نظر دارد که دست خدا با او است. این حالت را باید درک کنیم و سعی کنیم آن را در خودمان ایجاد کرده و به این کمال برسیم.

ماه رمضان می آید و می رود چقدر پیشرفت کردید؟

عمری از خدا گرفتید و این ماه رمضان چندمین ماه رمضان ما است، که نسبت به بنده بیش از ۷۰ سال است. حالا این ماه رمضان می آید و می رود، ببینید چقدر پیشرفت کردید، آن هم نه در مسائل ظاهری، بلکه ببینید چقدر ذات ما تغییر کرد؟ چقدر روح شکر در ما تجلی کرد و به عبودیت رسیدیم؟ و اینکه ما هر چه داریم از آن خداست و این کاری است که در این شبهای رمضان باید انجام داد. وقتی دعای سحر می خوانید در لحظات تجلی الهی که خدا خودش را به ما نشان می دهد باید به این نتیجه برسید.

حالا اگر به این تجلی رسیدیم چه می شود؟ اول اینکه ما از نعمت لذت می بریم. از داشتن نعمت هایی چون چشم و گوش و صحت و سلامتی لذت می بریم.

روح هم مانند بدن محتاج به غذا است!

بدن ما احتیاج به غذا و قوت دارد، چون بدن دارد از آن کم می شود و ما باید به آن اضافه کنیم که بماند، و روح ما هم چنین احتیاجی دارد. همانطور کسی که غذا می خورد این غذا برای بدنش است و این غذا را برای جسم می خورد، می تواند یک غذایی هم به روح بدهد.

همین که سفره پهن شد، ابتدا شکر آن نعمت و غذا را بکنید و بگویید خدایا امنیت دارم و خیلی ها ندارند، خدایا صحت و سلامت دارم و خیلی ها ندارند، خدایا این غذا را برای من تهیه کردی که خیلی ها ندارند و با بیان این نعمت از خدا تشکر کند که با این تفکر و شکر کردن این غذای جسم را که می خورید، نوش جانتان می شود و روح هم از این غذا استفاده می کند.

وظیفه ما در برابر نعمت ها : اول شکر نعمت دوم حفظ نعمت

در دعا داریم که می گوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ وَالشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ» عافیت خیلی خوب است، اما کسی که عافیت دارد ولی شکر عافیت ندارد، مثل کسی است که در بانک حسابش بسیار سنگین است ولی از آن خبر ندارد و نمی داند این قدر امکانات دارد.

نعمت عظیم ولایت امیرالمومنین(ع) / لزوم شکر عافیت و ولایت

کسی که عافیت دارد، کسی که ولایت علی بن ابی طالب(ع) را دارد و امام زمان(عج) را قبول دارد، بداند که این کم نعمتی نیست، این نعمت ولایت را به هر کسی نداده اند و نمی دهند. اینجور نیست هر کس دلش بخواهد هر نعمتی را بگیرد، اینها یک نعمت هایی خدا دادی است که پدرها و مادرهای ما زحماتی که کشیدند و دعاهایی که کردند و نان حلالی که داشتند، دست به دست هم داده اند که نتیجه آن ما مومن و ایمان به خدا و اهل بیت(ع) پیدا کردیم.

حالا این نعمت را نباید شکر کرد؟! نمی گویم زبانی بگویید شکرلله، بلکه می گویم این نعمت را احساس کنید و قدر بدانید.

دوم وظیفه ما در برابر نعمت: نگه داشتن نعمت بعد از شکر کردن آن

دوم فایده شکر و وظیفه ما در برابر نعمت ها این است که این نعمت را نگه دارید. مثلا نعمت عافیت و سلامتی چقدر نعمت بزرگی است. از حضرت می پرسد من شب ۲۳ را درک کردم و بهترین دعا چیست که از خدا بخواهم؟ حضرت فرمود: از خدا عافیت بخواه.

اهمیت شکر عافیت و حفظ آن

میلیون ها نعمت جمع می شود و اسم آن عافیت است، عافیت چشم و گوش و دهان نیست بلکه باید سراسر وجود شما باید منظم و سالم باشد تا بگویند شما در عافیت هستید که اگر یکی از اینها کم شود، عافیت بهم می ریزد.

پیامبر اکرم محمد مصطفی(ص) در هر روزی ۳۶۰ مرتبه شکر می کردند. گفتند ۳۶۰ رگ در بدن انسان است که اگر یکی از این رگ ها نزند و بهم بریزد، دیگر انسان عافیت ندارد. حالا این یک مثال است که حضرت فرمودند و از اینها بیشتر است.

ما سعی می کنیم عافیت را نگه داریم؛ اولاً در آنکه خدا گفته به کار می بندیم قرآن می خوانیم زیبایی های طبیعت را می بینیم و شکر خدا را می کنیم و این چشم خیلی می تواند ثواب برای شما جمع کند.

نگاهی به سیره پیامبر(ص) در شاکر بودن

چگونه پیامبر شب ها می خوابیدند و شب را به صبح می رساندند؟ ما باید سیره پیامبر(ص) را بخوانیم. حضرت اول شب که نماز تمام می شد

به منزل می آمدند و بعد از نماز عشاء مقدار در منزل مکث می کردند، اگر غذا می آوردند می خوردند و بعد می رفتند و می خوابیدند. و زنان پیامبر(ص) می گفتند: هیچ وقت حضرت نگفتند این غذا شور یا تلخ است، بلکه همیشه شاکر بودند.

وقتی می خوابیدند، در بالای سرشان یک مقدار آب و مسواک می گذاشتند. ثلث اول شب که تمام می شد، بلند می شدند و اول با آن مسواک که بالای سرشان بود، مسواک می زدند و بعد با آن آب، وضو می گرفتند و بعد ظاهرا بیرون از حجره می رفتند و یک نگاهی به آسمان ها می کردند، می گفتند خدایا این ستارگان و کهکشان ها را بیهوده نیافریدی!

بعد آیات اواخر سوره آل عمران را می خواند: « رَبِّسَنَّا إِنْكَ مَن تَدْخِلِ الذَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِي لِيظَّالِمِينَ مِّنْ أَنْصَارٍ؛ رَبِّسَنَّا إِنْكَ سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبِّسَنَّا فَاعْفِرْ لَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ؛ رَبِّسَنَّا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنْكَ لَا تَخْلِفُ الْمِيعَادَ » (آیات ۱۹۲ تا ۱۹۴ سوره آل عمران)؛ این سه چهار آیه را می خواندند که همه اش عرفان و تجلی خدا بود .

ترجمه آیات: پروردگارا هر که را تو در آتش درآوری یقینا رسوایش کرده ای و برای ستمکاران یاورانی نیست (۱۹۲) پروردگارا ما شنیدیم که دعوتگری به ایمان فرا می خواند که به پروردگار خود ایمان آورید پس ایمان آوردیم پروردگارا گناهان ما را بیامرز و بدیهای ما را بزدای و ما را در زمره نیکان بمیران (۱۹۳)؛ پروردگارا و آنچه را که به وسیله فرستادگانت به ما وعده داده ای به ما عطا کن و ما را روز رستاخیز رسوا مگردان زیرا تو وعده ای را خلاف نمی کنی (۱۹۴) .

می گفتند خدایا مرا به آتش جهنم نسوزان، این را پیامبر(ص) دارد می گوید که خدایا اگر کسی را به آتش بفرستی این ننگ است، خدایا ما را با خوبان و نیکان بمیران.

بعد بر می گشتند ۴ رکعت نماز می خواندند به دو تا نماز دورکعتی و سپس به بستر خواب می رفتند. بعد بار دیگر در ثلث دوم بیدار می

شدند و بعد در ثلث سوم بیدار می شدند و تا سحر بیدار بودند.

عبادت و خیانت چشم

شما هم همین که شب ستارگان را می بینید؛ همین که بگویید: خدایا اینها را بی خود خلق نکردی، خدایا ما را ببخش. با این کار این چشم شما برای شما عبادت می نویسد.

شب اول ماه رمضان حضرت زین العابدین(ع) از راهی حرکت می کردند، همین که چشمشان به ماه افتاد ایستادند و خطاب به ماه کردند و گفتند: تو مخلوق و مطیع خدا هستی و من هم هستم، تو حرف خدا را گوش می کنی پس خدایا این ماه را ماه خوبی برای من قرار بده، و یک صفحه دعا در این باره از امام هست که تا امام چشمشان به ماه افتاد این دعا را کردند. بنابراین اگر با چشم زیبایی های طبیعت را مشاهده کنید در آن لحظه یاد خدا بیفتید و شکر کنید، این خودش نوعی عبادت است.

حالا ممکن است این چشم چشم چرانی کند، ممکن است چشم سریع حرکت کند و به جایی نگاه کند که برایش گناه نوشته شود، اینجا این چشم خیانت کرده است. شما حق ندارید به عرض مردم نگاه کنید! این چشم را که خدا به شما داده باید آن را حفظ کنید و با آن عبادت کنید.

شب تا صبح پای تلویزیون ننشینید و وقت خود را هدر ندهید؛ البته برنامه های خوبی هم در تلویزیون هست ولی کسانی که مبالغه می کنند و از چشمشان سوء استفاده می کنند و این چشم بیشتر تا صبح دارد نگاه گناه می کند و ضعیف هم می شود، اصلا چرا باید چشم ما ضعیف شود؟ ما باید چشم را حفظ کنیم و همین طور دیگر نعمت ها. این که بهداشت باید داشته باشیم این بهداشت وظیفه خود ماست و یکی از شکرانه نعمت ها است.

مسئولیت ما در برابر گوش

می دانید ما چقدر مسئولیت نسبت به همین گوش داریم، هر حرفی را نباید گوش کنیم. ببینید گوش خود را به چه چیز فرا می دهید!

در روز قیامت در بعضی از مواقع یک سری از مومنین می گویند فلانی و فلانی کجاست؟ بعد دیدند در آتش جهنم هستند و پرسیدند چه شد شما جهنمی شدید؟ گفتند ما نماز نمی خواندیم! دیگری گفت ما به مسکین و فقرا کمک نمی کردیم! و دیگری گفت ما هر جا می نشستیم و در دورهمی

های خود صحبت هایمان تهمت و غیبت بود و وقت خود را با معصیت گوش می گذرانند.

معنای شکر و نحوه شکر نعمت

ما هم باید اعضا و جوارح را از گناه و هم از تلف شدن حفظ کنیم، این معنای شکر است. شکر نعمت این است که نعمت را نگه داریم و وظیفه خود را نسبت به نعمت بدانیم، هر نعمتی مساوی با یک مسئولیتی است و تمام نعمت های الهی مسئولیتی برای ما دارند.

شکر امنیت و تشکر از نیروهای امنیتی

مثلا نعمت امنیت؛ امنیت مسئله ای نیست که مربوط به نیروی امنیتی باشد هرچند آنها اساس هستند، اما همه مردم باید امنیت خود را حفظ کنند و ما نسبت به مسئولین امنیتی باید تقدیر و شکر از آنها داشته باشیم.

شکر وزارت آموزش و پرورش

یک چیزی که در جامعه است و مهم است، وزارت آموزش و پرورش است که این وزارت ارتش عظیمی هست که بچه های ما را تربیت می کنند و ممکن است بهتر هم بشود ولی همین اصل را باید شکر کنیم.

امام حسین(ع) یکی از فرزندان نشان پیش معلمی رفت و آن معلم یک سوره قرآن به او یاد داد. حضرت دهان این معلم را پر از دُر گران بهاء کردند.

همه این نعمت هایی که دور ما است و ما باید شکر کنیم، وشکر این نعمت ها این است که این نعمت ها را بشناسیم و تا آنجا می توانیم بر این نعمت ها محافظت کنیم و از همه این ها مهمتر از نعمت هایی که داریم راضی باشیم.

اهمیت رضایت در آنچه داریم و مثبت اندیش بودن

مردم بعضی نعمت زیادتری و بعضی نعمت کمتر دارند که مهم رضایت از آنچه دارند، هست. نعمت های خدا دادی زیاد است، فقط چشمتان به نعمت دیگران نباشد که فلانی چقدر دارد و من ندارم! این طور نیست خدا به شما هم نعمت داده است، شاید آن کسی که شما به او می نگرید و پولدار است او پیرمردی پولدار است اما شما جوانی هستید که حالا پول کمتری دارید، او نعمت جوانی ندارد ولی شما دارید.

خدا نعمت‌ها را خوب و دقیق تقسیم کرده و تدبیرش هم خوب است و ما باید راضی باشیم و این راضی بودن از نعمتی که خدا به شما داده خیلی مهم است.

و فراتر از این، ما نسبت به زندگی باید مثبت فکر کنیم، یعنی چشمان زیبایی‌های زندگی را ببیند.

بعضی از افراد در هر سطحی که هستند، نسبت به همسر و فرزند و استاد و رفیق طوری هستند که دنبال ضعف‌ها و خرده گرفتن از آنها هستند، نباید چنین بود، بلکه باید جنبه‌های مثبت را هم دید.

بعضی نسبت به فرزندان نشان احساس لذت نمی‌کنند که فرزندان سالم و متدینی دارند، بلکه می‌گردند و مشکلی در او پیدا می‌کنند و روی همان یک مشکل متوقف می‌شوند و هزاران مثبت دیگر را نمی‌بینند. **نعمت‌های الهی همیشه زیباست، اگر شکرانه نعمت داشته باشید، همیشه زیبایی‌های نعمت را می‌بینید.**

حب وطن داشته باشید

خیلی‌ها در این کشور زندگی می‌کنند، اما چشمشان به کشوری دیگری است! من رفتم دیدم بعضی از جوانان خوب ما از کشور بیرون رفته‌اند و خیال کردند کشور دیگر بهشت است، بدانید اینطور نیست بلکه نسبت به کشورتان محبت داشته باشید. حب الوطن من الایمان، انسان باید کشورش را دوست داشته باشد.

نظر مثبت به نعمت باعث زیاد کردن آن

حتی به اقوام خود باید نظر مثبت داشته باشید و نظر مثبت به زندگی از ابعاد شکر است که باعث می‌شود انسان دنبال زیاد کردن نعمت‌ها باشد. وقتی شما نسبت به یک نعمتی شاکر هستید، مثلاً خوشحال هستید که فرزند متدین خوبی دارید و شاکر آن هم هستید، پس فکر می‌کنید یک بچه دیگر هم خدا به شما بدهد و نسل شما زیاد تر شود یا وقتی نسبت به برادران دینی محبت دارید از آنها بیشتر استفاده می‌کنید.

افزوده شدن نعمت با شکر آن

پس بدانید هر نعمتی را که شکرش را انجام دادید، خدا آن را زیادتر می‌کند و این یک قانون الهی است.

خدا خیلی واضح فرمود « **وَإِذْ تَأْتِيَنَّكُمْ لَئِن**

شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ ۖ وَكَفَرْتُمْ تَزِيدَنَّكُمْ ۖ إِنَّ عَذَابَ ابْرِي
لَشَدِيدٌ / همانا اگر شکر کنید، قطعاً شما را می‌افزایم، و اگر
کفران کنید البته عذاب من سخت است». (آیه ۷ سوره ابراهیم). در این
آیه خدا خیلی واضح فرمود و هویدا و اعلام کرد که شکر کنید.

پس ما بیایم اول نعمت‌ها را درک کنیم، بعد سعی کنیم آن را زیاد
کنید و این سعی کردن باعث زیاد شدن نعمت می‌شود. حالا سعی می‌کنید
که نعمت زیاد شود پس لذت هم بیشتر می‌شود.

رضا و شکور بودن دائمی مومن حتی در بیماری

مومن هر جا که هست و هر چی هست در یک حالت رضا و خرسندی است و
روحش در حال پرواز به سوی خدا است. من علما و مومنینی را دیده‌ام
که در هر حالتی که هست، حتی مریض هم هستند باز خدا را شاکر
هستند، نه اینکه با زبان، بلکه رفتاراً راضی به رضای خدا هستند،
حتی در لحظات مرگشان راضی از رضای خدا هستند.

علمایی را دیده‌ام که در لحظه آخر زندگی راضی و شادمان از خدا
هستند و با لبخند فوت کرده‌اند. یکی از علما را می‌خواستند عمل
جراحی کنند و به او گفتند ممکن است شما زیر عمل فوت کنید و ایشان
با خوشحالی گفت چه اشکال دارد. بعد گفته بود وقتی شنیدم فردا زیر
عمل احتمال دارد بمیرم، خیلی خوشحال شدم و گفتم پس فردا مولا
امیرالمومنین(ع) را می‌بینم و چشمم به جمال آقا می‌افتد.

ببینید چه روحیه‌ای مومنین داشتند و چرا ما اینجور نشویم! پس ما
هم خوب زندگی کنیم. «إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَافُورًا».

رابطه شکر و حکمت

سوره لقمان را سوره حکمت گفته‌اند؛ ما حکمت را از قرآن باید یاد
بگیریم. یکی از آیات این سوره به شکر اشاره کرده و می‌فرماید: «
وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنِ اشْكُرْ لِلَّهِ
وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّا نزيدُ ۖ وَإِن يَكْفُرْ فَإِنَّا نزيدُ ۗ إِنَّ عَذَابَ الْكَافِرِينَ
لَشَدِيدٌ ۗ» / و به راستی لقمان را حکمت
دادیم که خدا را سپاس بگزارد و هر که سپاس بگزارد تنها برای خود
سپاس می‌گزارد و هر کس کفران کند در حقیقت خدا بی‌نیاز ستوده
است!» (آیه ۱۱۲ سوره لقمان).

در این آیه به رابطه حکمت و شکر اشاره شده است و خداوند می

فرماید ما به لقمان حکمت دادیم که شکر کند. بنابراین کل حکمت در شکر خلاصه شده است.

وقتی انسان شکر خدا را انجام دهد، خداوند هم حکمت دنیا را به او می دهد، و همینطور وقتی نظر انسان به خودش و دیگران مثبت شود، زیبایی ها را می بیند.

پدیدآورنده:

به قلم: امیرمحسن سلطان احمدی

www.soltanahmadi.ir